Archive of SID

Analysis of the Feminine Language of Contemporary Iran and Oman Poetry (Case Study: Saida bint Khater Al-Farsi and Tahereh Safarzadeh)

Doi:102267/jallv12.i2.76399

Abuzar Ghasemi Arani[1]
PhD Graduate in Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran

Yahya Marof
Professor in Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran

Received: 3 November 2018 Accepted: 15 December 2019

Abstract

In recent years, women poets, by recognizing their feminine identity, have been able to establish emerging literary developments by creating currents in the field of language and cognition. They have also tried, by using feminine language and creative techniques in making their works, to influence the feelings, thoughts, personal and social concerns of a woman. Moreover, they have tried to work with men in various literary fields such as poetry, prose, novels, etc., free literature from the domination of masculine language and speech, and transform this ancient masculine tradition. There are well-known and famous poets in contemporary Iran and Oman, each of whom has played a significant role in shaping women's literature. Saida bint khater Al-Farsi is the pioneer of Omani women's poetry, who deals with women and her identity in her poems. Tahereh Saffarzadeh is an Iranian woman poet who has played a significant role in the literature of the Islamic Revolution. In this study, using poetic examples and charts, Feminine language in the poetry of two poets in a comparative way, on two lexical levels (Vocabulary - Compositions - Verbs and Phrases) and syntactic (question sentences, surprise sentences, emphatic sentences). Differences and similarities of feminine language were revealed in two different cultures. Al-Farsi, for example, uses feminine words to express sensory-emotional themes to fill the romantic dimension of her poem, while feminine language in Saffarzadeh's poem is a tool to convey message and thought. Both poets use feminine language to express social purposes such as feminism, the defense of women's rights, patriotism, naturalism, and so on.

Keywords: Comparative Literature, Women's Poetry, Oman, Iran, Saida bint Khater Al-Farsi, Tahereh Saffarzadeh.

[1]. Corresponding author. Email: abouzarghasemi@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

تحلیل تطبیقی زبان زنانه در شعر معاصرعُمان و ایران (با تکیه براشعار سعیده بنت خاطرالفارسی و طاهره صفارزاده)

(پژوهشی)

ابوذر قاسمی آرانی (دانش آموختهٔ دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، نویسنده مسئول) [۱]
یحیی معروف (استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

Doi:102267/jallv12.i2.76399
صص:۹۶-۷۶

چکیده

زنان شاعر در سال‌های اخیر، با شناسایی هویت زنانه‌ی خویش، توانسته‌اند با جریان سازی در حوزه‌ی زبان و اندیشه، پایه‌گذار تحولات نوظهور ادبی باشند و با کاربست زبان زنانه و شگردهای خلّاقانه در آفرینش آثار هنری خویش، احساسات، تفکرات، دغدغه‌های شخصی و اجتماعی یک زن امروز را ترسیم کنند و هم‌گام با مردان در حوزه‌های مختلف ادبی چون: شعر، نثر، رمان و ... به فعالیت بپردازند و ادبیات را از سیطره‌ی زبان و سخن مردانه برهانند و موجب دگردیسی این سنّت دیرینه‌ی مردانه شوند. دوران معاصر ایران و عُمان شاعرانی نام‌آشنا و بلندآوازه دارد که هریک به سهم خود نقش بسزایی در شکل‌دهی ادبیات زنانه، ایفا کرده‌اند. سعیده بنت خاطر الفارسی؛ پیشگام شعر زنانه‌ی عُمانی است که پرداختن به زن و هویت او در اشعارش موج می‌زند؛ از سوی دیگر طاهره صفارزاده از زنان شاعر ایرانی‌است که نقش بسزایی در ادبیات انقلاب اسلامی داشته است. در پژوهش حاضر، با استفاده از نمونه‌های شعری و نمودار، زبان زنانه در شعر دو شاعر به شیوه‌ای تطبیقی، در دو سطح واژگانی (واژگان- ترکیبات- فعل و عبارت‌های فعلی) و نحوی (جملات پرسشی- تعجبی- تأکیدی) تحلیل می‌شود. تفاوت‌ها و شباهت‌های زبان زنانه در دو فرهنگ متفاوت آشکار می‌گردد، مثلاً بنت خاطر برای پررنگ کردن بُعد رمانتیک شعرش از واژگان زنانه برای بیان مضامین حسی-عاطفی کمک می‌گیرد درحالی‌که زبان زنانه در شعر صفارزاده به‌عنوان ابزاری برای انتقال پیام و اندیشه است. همچنین هر دو شاعر از زبان زنانه برای بیان مقاصد اجتماعی مانند: فمینیسم و دفاع از حقوق زنان، وطن‌دوستی، طبیعت‌گرایی و ... بهره گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، شعر زنانه، عُمان، ایران، سعیده بنت خاطر، طاهره صفارزاده.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲٤
[۱] رایانامه نویسنده مسئول: abouzarghasemi@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

۱. مقدمه

با توجه به این‌که ادبیات و زبان در طول تاریخ و در اغلب جوامع، نهادی مردانه بوده و زنان قادر نبودند در این نهاد مردانه، دیدگاه‌ها، تجارب و اندیشه‌های خود را بیان کنند، همین امر زمینه‌ساز پژوهش‌های بسیاری درباره‌ی آثار زنان شد و زبان که سرچشمه‌ی خلق آثار ادبی است؛ با تأثیرپذیری از این تفاوت جنسیتی، در خلال جریان‌های اجتماعی تحول یافت. در سال‌های اخیر با ارتقاء جایگاه زنان در کشورهای عربی و ایران، وضعیت شعر زنانه نیز متحول شده است. زنان با حضور مستمر در جوامع فرهنگی و هنری، باوجود محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، قوانین و سنت‌های موجود در ابراز عواطف، احساسات ذهنی و زبانی درزمینه‌ی هنر بسیار توانمند هستند.از سوی دیگر پژوهش‌های تطبیقی به دلیل این‌که زمینه مناسبی را برای ایجاد، توسعه و گسترش روابط و تعاملات بین فرهنگی فراهم می‌کند و تأثیر خاصی در فکر و فرهنگ مردم دارد، حائز اهمیت هستند. همین امر، اهمیت و ضرورت بررسی شعر زنانه را در جوامع مختلف و بافرهنگ‌های گوناگون نشان می‌دهد، به‌ویژه این‌که دوره معاصر عُمان و ایران را می‌توان دوره شکوفایی ادبی برای زنانِ شاعر این دو کشور محسوب کرد؛ که توانسته‌اند با اتکا به آزادی‌ها و موقعیت‌هایی که در جامعه به دست آورده‌اند، به‌تدریج جایگاه ادبی خود را پیدا نموده و با کاربرد زبان، جهانی زنانه را در شعر خویش خلق کنند و به تحولات عمیقی در حوزه زبان شعری زنانه دست یابند.

هدف اصلی این پژوهش شناسایی شعر معاصر عُمان و ایران؛ تطبیق زبان زنانه‌ی طاهره صفارزاده؛ برترین زن نخبه جهان اسلام و سعیده بنت خاطر؛ یکی از برجسته‌ترین شاعران و ناقدان معاصر عُمانی می‌باشد.

۱ .۱. روش پژوهش

مبنای این پژوهش بر تحلیل‌های زبان‌شناسی صرف و ارائه‌ی آمارهای جزءبه‌جزء نیست ؛ بلکه مجموعه اشعار این دو شاعر، جامعه‌ی آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهد؛ نگارندگان با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی دو سطح متفاوت زبان(سطح واژگانی و نحوی) در شعر زنانه‌ی « سعیده بنت خاطر و طاهره صفار زاده» می‌پردازند؛ سطح واژگانی که به سه بخش: واژگان (زنانه- مادرانه- تابو) - ترکیبات زنانه و عبارت‌های فعلی زنانه تقسیم‌شده است و واژگان، ترکیبات و افعال با توجه به بافت جمله استخراج‌شده است. در سطح نحوی نیز با توجه به نظریه‌ی لیکاف، جمله‌های پرسشی – تعجبی و تأکیدی از شعر شاعران موردنظر، استخراج و با ارائه‌ی نمودار، مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفته است.

پرسش‌های مطرح در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱-کارکردهای زبان زنانه در شعر سعیده بنت خاطر و طاهره صفار زاده بر اساس نظریات زبان‌شناسی جدید چگونه نمود یافته است؟

۲-تفاوت‌ها و شباهت‌های زنانه‌نویسی در محتوا و مضامین شعری این دو شاعر کدام است؟

مهم‌ترین دستاورد پژوهش این است که عنصر جنسیت بر زبان شعری دو شاعر تأثیرگذار بوده است؛ با این تفاوت که زبان زنانه در شعر بنت خاطر پررنگ‌تر از شعر صفارزاده است؛ به‌عبارت‌دیگر شعر بنت خاطر زبان محور است و زبان زنانه

www.SID.ir

Archive of SID

در آن نقش اساسی دارد و شاعر ظرافت‌های زبانی را دنبال می‌کند درحالی‌که شعر صفارزاده اندیشه محور است و دغدغهٔ اصلی شاعر، پیام‌رسانی به مخاطب است و تفاوت‌ها و شباهت‌هایی درکاربرد این زبان توسط دو شاعر وجود دارد که نگارندگان با ذکر مثال و نمودار مورد بررسی قرار می‌دهند.

۱ .۲. پیشینه پژوهش

در مورد شعر و زبان زنانه، مقالات متعددی نگاشته شده است مانند:

مانند: «بررسی تطبیقی برخی از درون‌مایه‌های زنانه در آثار بانوان شاعر معاصر فارسی و عربی فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، غاده السمان و سعاد الصباح»، از حبیبی (۱۳۹۱)، این مقاله به بررسی برخی از درون مایه‌های مشترک زنانه و موضوعاتی همچون: عشق زنانه، حس مادرانه به واکاوی تطبیقی شعر و اندیشه‌ی زنانه در زبان عربی و فارسی پرداخته است و این نتیجه حاصل‌شده است که شاعران مذکور، در آثار خود، راهکار برون‌رفت از بن‌بست تبعیض جنسی را ارائه می‌دهند.

«بررسی گونه‌ی کاربردی زبان زنانه در مرثیه‌ی معاصر با تأکید بر مرثیه‌های سعاد الصباح»، از روشنفکر و دیگران (۱۳۹۲)، با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از آرای محققان جامعه‌شناسی زبان، شعر سعاد الصباح را در سه سطح واژگانی، نحوی و بلاغی بررسی کرده‌اند. مهم‌ترین دستاورد پژوهش این است که رابطه‌ی تنگاتنگی بین عاطفه‌ی رثاء و جنسیت شاعر وجود دارد و عاطفه‌ی حزن بر اشعار سعاد الصباح تأثیر مستقیم گذاشته است.

مقالاتی که درباره صفارزاده تألیف شده است مانند: «اسطوره‌وارگی مفاهیم زنانه در شعر صفّارزاده » (۱۳۹۲) فصلنامه زن و فرهنگ، از عیسی داراب پور، که مفاهیم آفرینش زن، زنانگی در شعر صفارزاده را مورد واکاوی قرار داده است. « بن‌مایه‌های مشترک عشق به وطن در اشعار ابراهیم طوقان و طاهره صفارزاده» (۱۳۹٤)، ادب‌نامه تطبیقی، از ابراهیم نامداری و دیگران که مضامین مشترک سیاسی، اجتماعی را در اشعار آن‌ها بررسی می‌کند.

در مورد شعر معاصر عُمان تاکنون مقاله و پایان نامه‌ای نگاشته نشده و اشعار «سعیده بنت خاطر» در ایران مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است؛ این همان وجه نو و بی‌سابقه این پژوهش است که آن را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد. همچنین مقالات و پایان نامه‌هایی که در مورد شعر طاهره صفارزاده نگاشته شده است به موضوعاتی چون: وطن، ادبیات مقاومت و پایداری در شعر وی پرداخته‌اند؛ اما نگارندگان با در نظر داشتن مقوله‌های زبانی و فکری به تحلیل تطبیقی اشعار زنانه این دو شاعر برجسته معاصر عربی و فارسی می‌پردازد.

۱ .۳. ملاحظات نظری پژوهش

زبان و جنسیت

یکی از مباحث نوین در حوزه‌ی جامعه‌شناسی زبان، تأثیر جنسیت بر رفتارهای زبانی است. «پژوهش‌های حوزه‌ی زبان‌شناسی جنسیت از اوایل دهه‌ی ۷۰ میلادی آغاز گشت. این نوع پژوهش‌ها در آغاز بیشتر معطوف به بررسی تأثیر متغیر جنسیت در رفتار کلامی افراد، در سطح آوایی و نیز شیوه‌ی تعامل بود» (محمدی اصل،۱۳۸۸: ۸۷).

www.SID.ir

Archive of SID

«باوجود این‌که عامل جنسیت، در اصل جنبه‌ی بیولوژیکی دارد، اما از آن‌جا که زنان و مردان نقش‌های اجتماعی کاملاً یکسانی بر عهده ندارند، زبان‌شناسان اجتماعی، جنسیت را نیز معمولاً یک عامل اجتماعی به شمار می‌آورند» (مدرسی، ۱۳٦۸: ۱٦۱). «درحالی‌که جنس به تفاوت‌های فیزیکی بدن اشاره می‌کند، جنسیت به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود. تمایز میان جنس و جنسیت تمایزی اساسی است، زیرا بسیاری از تفاوت‌های میان مردان و زنان منشاء زیست‌شناختی ندارد» (گیدنز، ۱۳۷٦: ۱۷۵).

«در تحلیل نسبتِ جنس و جنسیت با زبان، ابتدا زبان زنان و مردان با علائم زیست‌شناختی مرتبط در نظر گرفته می‌شد و سپس رفته‌رفته، زبان به‌عنوان کارگزار نمادین نقش‌های جنسیتی به‌حساب آمد. از منظر اول، مثلاً تأکید می‌شد زنان صفات را با تأکید تفضیلی نظیر«زیباتر» یا «غمگین‌ترین» به‌کار می‌برند یا جملات را برای استمرار آن توسط دیگران نیمه‌کاره می‌گذارند و به زبان مردانه و رعایت ملاک‌هایشان تمایل دارند. از منظر دوم؛ اما مشخص گردید زنان و مردان هریک به شیوه‌ی خاص خود زبان را به کار می‌گیرند و در این کاربرد، هویت خویش را می‌سازند. مثلاً زنان همچون طبقات پایین اجتماع، جملات را به نحو علمی به کار نمی‌گیرند و سعی می‌کنند مانند کودکان با تداوم صحبت، نتیجه‌ای را به مخاطب برسانند. لذا اگر فرودستی پایگاه زنان رفع شود، زنان سخنوری به منصه‌ی ظهور می‌رسند که می‌توانند مشاغل سخن‌پراکنی را در دستگاه‌های معظم اجتماعی به انجام برسانند» (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۷).

فرکلاف نیز در کتاب «زبان و قدرت» معتقد است: «زبان، ابزاری است در دست گروهی از مردم جامعه برای زیر سلطه درآوردن گروهی دیگر» (مدرسی ۱۳٦۸: ۵۹)

بنابراین جنسیت بر فرادستی و فرودستی افراد تأثیر می‌گذارد و «در زبان جنسیت‌زده، قواعد و ساختارهای مردانه به‌عنوان شکل‌های بهنجار برای عموم در نظرگرفته می‌شود؛ به‌عبارتی‌دیگر، از مردان، با مفهوم کلی انسان یاد می‌شود که مفهومی فراجنسیتی است؛ اما زنان فقط به‌عنوان زن و دیگری تعریف می‌شوند» (همان: ۱٤٦).

۲. سیر تحولی شعر زنانه در ادبیات معاصر عُمان و ایران

فرهنگ دارای ابزارهایی است که با آن از زیرساخت‌های رایج خود دفاع می‌کند. فحولیت و مردسالاری یکی از زیرساخت‌های غالب در فرهنگ قدیم عرب است. به سبب سلطه‌ی این زیرساخت غالب، تلاش‌های فروانی در جهت جلوگیری از رشد زیرساخت مؤنث در اجتماع و بخصوص شعر عرب صورت گرفته است. بدین معنا که از طرفی، نمونه‌های شعریِ مردانه را علو و بزرگی قلمداد می‌کرد و صاحب آن را فحل می‌نامید و از طرفی دیگر، شعر زنانه و زنانگی در شعر را با دیده‌ی حقارت می‌نگریست(غذّامی،۲۰۰۵ :۷٤). این سیطره‌ی مردانه در فرهنگ شعری عرب، باعث شده است که صدای زنان در طول پانزده قرن شعر عربی به گوش نرسد و شاعر برجسته‌ای که نماینده زنان، احساسات و خواسته‌های آنان باشد، ظهور نکند. (برهومه، ۲۰۰۲: ۳۷).

اولین جنبش‌ها در میان مردم عرب، برای پررنگ ساختن حضور زنان و نجات آن‌ها «از زیر دندان خلیفه‌ها» آغاز شد(قبانی،۱۳٦۳: ٤۷) و آغاز فعالیت‌های ادبی زنان عُمانی، به قرن نوزدهم برمی‌گردد. هنگامی‌که «سالمه بنت سعید» کتابی را

www.SID.ir

Archive of SID

با عنوان «مذکرات أمیره عربیه» در برلین سال۱۸۸٦م منتشر کرد. او در این کتاب، زندگی، جوانی، ترک وطن و عشق به آن را توصیف می‌کند و تصاویر مختلفی از دو جامعه شرقی و غربی را ارائه می‌کند؛ شرق که در آن به دنیا آمد و رشد کرد و غرب که در آن بقیه عمر خود را گذراند اما رونق و شکوفایی فرهنگ و ادب زنانه معاصر عُمان، به دهه ۱۹۸۰؛ قرن بیستم برمی‌گردد و دهه ۱۹۹۰ دوره فعالیت ادبی، نوآوری و ابداعات خلاقانه برای زنان عُمانی بود؛ هم در شعر و هم در نثر. و شاعران زیادی مشهور شدند ازجمله: سعیده بنت خاطرالفارسی، زکیه البوسعیدی، هاشمیه الموسوی، نورا البادی، سمیره الخروصی، نسرین البوسعیدی و... .(الشارونی،۱۹۹۰: ۱۱۹)

ادبیات ایران نیز چون ادبیات عربی، به اعتقاد بسیاری از محققان، از دیرباز ماهیتی مردانه داشته و روح مردانه بر فرهنگ و ادب ما تسلط داشته ازاین‌رو زنانی که می‌خواستند وارد حیطه ادبیات و فرهنگ سخنوری شوند باید با روحیه مردانه وارد صحنه ادب شده یا لباس مجازی مردانه به تن کنند تا نام و سخنشان در صحنه روزگار باقی بماند. (فلاحی،۱۳۷٤: ١٦)

حیات نوین ادبی و فرهنگی زن ایرانی با انقلاب مشروطه آغاز شده است. «در این عصر تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر ذهنیت و اندیشه شاعران زن اثری درخور تأمل برجا نهاد و باعث شد اندیشه تک‌بعدی شاعران زن که پیش‌ازاین، اثر ادبی او را به بیان صرف شوق به معشوق، غم هجران و شِکوه از جور رقیب محدود می‌کرد، نسبت به واقعیت‌های ملموس سیاسی، اجتماعی زمانه خویش و مسائلی نظیر دغدغه‌ی کسب هویت و جدال با محرومیت‌های تاریخی نشان دهد. (احمدی،۱۳۸٤: ۱۱)

بعد از انقلاب اسلامی، با توجه به تغییر و تحولاتی که در جامعه اتفاق افتاده است؛ یکی ازدغدغه‌های ادیبان ایرانی، پررنگ کردن عنصر زنانگی و دیدی کاملاً انسانی به زن است. زنان سعی می‌کنند پوسته‌ای را که مانند عروسک کودکی از ایشان در دوره قبل ساخته بودند، بشکنند و از چاردیواری خانه و سنت پا برون بگذارند. در این دوره آن‌قدر تنوع و کیفیت آثار پدید آمده توسط زنان فراوان است که می‌توان از شروع یک ادبیات زنانه خاص بعد از انقلاب حرف زد. (میرعابدینی،۳/۱۳۷۷: ۱۱۱۰)

۳. معرفی پیشگامان شعر زنانه عُمان و ایران

۳. ۱. سعیده بنت خاطرالفارسی

شاعر و ناقد عُمانی که سال« ۱۹۵۹م » در شهر « صور» عُمان به دنیا آمد و در سال(**۱۹۷۷م)** از دانشگاه کویت، لیسانس زبان عربی دریافت کرد و در سال (**۱۹۹٤م)** تحصیلاتش را در مقطع فوق لیسانس با پژوهشی درباره «الشعر العُماني في عصر النباهنه» در دانشکده دارالعلوم قاهره ادامه داد و در سال ۲۰۰۲ رساله دکتری خود را در نقدعربی، بلاغت و ادبیات تطبیقی با موضوع «الإغتراب فی شعر المرأه الخلیجیه» در همان دانشکده دفاع کرد (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ١٤١).

دیوان اشعار او عبارتند از: «مازلتُ أمشی علی الماء»، «أغنیات للطفوله والخضره »، «إلیها تحجّ الحروف»، «قطوف الشجره الطیبه»، «وحدك ....تبقي صلاة يقيني»، «مدٌّ في بحر الأعماق» کتاب‌های نقد ادبی او عبارتند از: «سوسنه المنافي؛ حمده خمیس و تحولات

www.SID.ir

Archive of SID

الاغتراب السياسي»، «سعاد الصباح بين الاستلاب والاغتراب» ، «انتحار الأوتاد؛ دراسه في اغتراب سعديه مفرح»، و «علي شفا حفره- دراسه الاغتراب الصوفي لدي زكيه مال الله».

۳. ۲. طاهره صفارزاده

شاعر، نویسنده، محقق و مترجم در سال ۱۳۱۵ه.ش در سیرجان در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی به خارج از ایران رفت و با تحصیل در حوزه‌های نقد ادبی و نقد عملی موفق به کسب درجهٔM.F.A شد. پس از بازگشت به ایران هم‌زمان با شاعری به تدریس در دانشگاه و ترجمهٔ آثار مختلف مشغول شد. در سال(۲۰۰٦) سازمان نویسندگان آفریقا و آسیا او را به عنوان شاعر مبارز و زن نخبه و دانشمند مسلمان برگزید .سرانجام وی در سال ۱۳۸۷ در تهران درگذشت. (رفیعی۱۳۸٦: ۲۷)

دفترهای شعری او: «مردان منحنی»،« بیعت با بیداری»، «دیدار صبح»، «سد بازوان»،«طنین در دلتا» و«سفر پنجم» به فارسی و در «رهگذر مهتاب» و« چتر سرخ» به زبان انگلیسی و دو اثر در زمینه ترجمه با عنوان «اصول و مبانی ترجمه» و ترجمه «قرآن کریم» به انگلیسی می‌باشد.

٤. تطبیق زبان زنانه در شعر بنت خاطر و صفارزاده

شعر از یک‌سو دارای ظرافت، لطافت و پیچیدگی‌هایی است که درک آن مستلزم شناخت زبان شاعر و درک نوآوری‌های ادبی متن شعری است و از سوی دیگر فعالیت‌های اجتماعی و تفاوت‌های زیست‌شناختی بین زنان و مردان، سبب پیدایش تفاوت‌های زبانی معینی میان این دو گروه می‌شود. بنابراین برای فهم بیشتر و دقیق‌تر اشعار شاعران باید با ویژگی‌های زبانی آنان آشنا باشیم. علاوه براین شاعران مورد پژوهش در دو جامعه متفاوت با دو زبان مختلف پرورش‌یافته‌اند و تحلیل و بررسی زبان زنانه در شعر و اندیشه آن‌ها می‌تواند گوشه‌ای از زوایای ادبیات معاصر به‌ویژه شعر زنانه دو کشور ایران و عُمان را روشن‌تر کند. زبان زنانه در شعر این دو شاعر در دو سطح (واژگانی و نحوی) بررسی می‌شود.

٤. ۱. سطح واژگانی

این سطح از زبان شعر به سه‌شاخه (واژگان- ترکیبات – فعل و عبارت‌های فعلی) تقسیم می‌شود؛ و گرایش‌های جنسیتی دو شاعر بر اساس نمونه‌های شعری و نمودار تطبیق داده شد.

٤. ۱. ۱. واژگان

درصد زیادی از واژگانی که در هر زبان به کار می‌رود بر اساس تفاوت‌های موجود بین زبان‌های مختلف، قابل‌تشخیص است. و جنسیت، عامل مؤثر و کارآمدی است که نشان می‌دهد زبان زنان و مردان با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند، طبیعی

www.SID.ir

Archive of SID

است که تعداد قابل‌توجهی از این تفاوت‌ها را در واژه‌ها جستجو کنیم. به دلیل گستردگی موضوع، واژگان در سه بخش مجزا (زنانه– مادرانه و تابو) بررسی می‌شود .

الف: واژگان زنانه

واژگان زنانه، کلمات و اصطلاحاتی است که براساس آن‌ها می‌توان گفت اثر متعلق به ژانر زنانه است. واژگان و مفاهیمی که به‌طورکلی در ارتباط با زن، معنای بیشتری می‌گیرند و قراردادهای فرهنگی، آن را ویژه‌ی زنان می‌داند؛ و در متن به همراه دیگر عناصری که دال بر زنانگی داشته باشد، متن را به اثری زنانه تبدیل می‌کند.

دو شاعر اندیشه‌های زنانه‌ی خود را در بیشتر سروده‌هایشان منعکس ساخته‌اند تا در تازگی اندیشه و مفاهیم زنانه، از دیگر شاعران متمایز باشند. از لحاظ ویژگی‌های زبانی نیز، واژگان زنانه و درخور ارزش زن به‌کاربرده‌اند. تا روح و ویژگی زنانه خود را در این واژگان متجلی سازند.

بنت خاطر از واژگان زنانه‌ای چون «نقاب و خِمار» در راستای القای مفهوم شعر به مخاطب بهره می‌برد تا زنان شرقی را این‌گونه توصیف کند: «وَ المرأةُأُسطورةُالنِّقابِ وَ الخِمارْ/ أسيرةُ الساداتِ و العاداتِ و الرّاياتِ» (بنت خاطر،۲۰۰۱٤: ۹۹) (ترجمه) «زن [شرقی] اسطوره‌ی حجاب و عفت است/ زندانی طغیان‌گران و عادات و پرچم‌ها [کنایه از گروه‌ها و دسته‌ها با هر پرچمی] است.» و در قصیده‌ی «صورة النساء» با زبانی زنانه، از ارزش زنان می‌گوید: «كُلُّ الأُناثِ مَدائِنُ حُبلَى بِالنُّورِ/ فَحِينَ يَتَوَجّعُ القَمرُ في جِلبابِ مَحاقِهِ/ تُداوِي قُلوبَهُم ضَحكَتُهُ الكَسيرَةُ لِيَستديرَ الكمالُ»/ «الموتُ مُبتَسِمًا وَحدَهُ في المَهدِ لا شريكَ/ تُهَدهِدُهُ الأُمُّ تُرضِعُهُ مَرارةَ الحليبْ»(همان: ۲۳)

(ترجمه) «تمام زنان، شهرهایی آبستن به نورند/ آن‌دم که ماه در حجاب آخرین روزهایش درد می‌کشد/ لبخند شکسته او، قلب‌هایشان را درمان می‌کند تا کمالش مدور گردد/ مرگ به تنهایی در گهواره تبسم می‌کند و با او شریکی نیست/ و مادری که او را به آرامی بخواباند و تلخی شیر را به او بنوشاند.»

شعر «سفر عاشقانه» صفارزاده سرشار از واژگان زنانه و عاشقانه است که شاعر در آن به آشکارسازی ویژگی‌های زنانه‌ی خود همّت گماشته است. «سپور» در این شعر، نماد ذهن هوشیار و وجدان بیدار شاعر است: «سپور صبح مرا دید/که گیسوان درهم و خیسم را/ ز پلکان رود می‌آوردم» (صفارزاده، ۱۳٥٦: ٦۳). «شاعر در آغاز بیت‌های نخستین «گیسوان درهم» خود را از حالت‌های شور و هیجان زنانه‌اش دانسته و برآن بوده تا زندگی‌بخش، پرشور و پر طروات کند و عشق را در تمام وجودش جریان دهد. به عبارت دیگر سیاهی گیسوان و خیسی آن را با آب و اصل مادینگی ارتباط داده است» (نیکوبخت و دیگران، ۱۳۸۸: ۱٥٦).

به‌طورکلی «واژگان این حوزه‌ها، تأثیر جنسیت را بر انتخاب واژه‌هایی خاص از سوی زنان، نشان می‌دهد؛ حتی زمانی که در برخی واژه‌های کاربردی گرایش‌های جنسیتی مشاهده نمی‌شود، به دلیل هم‌نشینی با واژگان دیگر در بافت جمله، بیانگر تمایلات و تمایزات زنانه است. همچنین ممکن است کاربرد برخی از این واژگان پیش‌تر به صورت موتیفی نمادین در شعر شاعران زن، ذهنیت تعلق آن واژگان را به حوزه‌ی زنانه ایجاد کرده باشد» (رضوانیان، ۱۳۹۲: ٥۷). مثل «آینه» و «جواهر» در شعری که صفارزاده به انتقاد از زن معاصر می‌پردازد: «هر شب زن به جنگ آینه برمی‌خیزد/ با تکه سنگ‌های جواهر/ اما

www.SID.ir

Archive of SID

صداقت آینه/ حرف شکست را در نورهای اشک فریاد می‌کند» (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۷٦) و در شعری از بنت خاطر،که دقیقاً مانند صفارزاده از زن معاصر شکوه و شکایت می‌کند. عبدالتّواب در مقدمه‌ی کتاب «موشومة تحت الجلد» بنت خاطر می‌نویسد: «وی در قصیده‌ی «سیبریا» از مسائل زنان درجامعه‌ی مردسالار که به دلایل مختلف مانند ترس از طرد شدن، اجبار، هنجارهای دینی و اجتماعی، مسکوت مانده، به‌طور آشکار سخن می‌گوید و «با زبانی رمزگونه و تمسخرآلود زن معاصر را «خامسة العدوية [زنی که به شئونات اجتماعی توجهی ندارد]» می‌خواند» (بنت خاطر، ۲۰۰٦: ۷) «تُرَى مَتى تُعتَرَفُ/ بِأَنَّها لَستَ خامسةَ العَدويّة!!» (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ٦۷) (ترجمه) «دیده می‌شوی پس کی شناخته می‌شوی؟/ تو عدویه‌ی پنجم نیستی!»

استفاده از واژگان زنانه در اشعار هر دو شاعر برای بیان مقاصد متفاوتی بکار گرفته شده است مانند:

۱. فمنیسم و دفاع ازحقوق زنان

امروزه زنان در عرصه جهانی به دنبال دستیابی به جایگاه واقعی خود در سطوح گوناگون و درصدد تغییر وضع موجود (مرد سالارانه) هستند. بنت خاطر و صفارزاده نیز از واژگان زنانه برای بیان مضامینی همچون اعتراض به وضعیت نامطوب زنان در جامعه، توجّه به آزادی زنان و تساوی حقوق آنان با مردان، مخالفت با سنت‌های دست و پاگیر، توجّه به جنگ و عواقب آن، استفاده کرده‌اند.

«قصیده‌ی «أُمومة» بنت خاطر، نمونه‌ای از شعر زنانه‌ای است که سعی در رد الگوهای فرهنگی و اجتماعی جامعه مردسالار با تمام ارزش‌ها و سنّت‌های آن دارد» (یحیایی،۲۰۱۵: ۲۱). همچنین وی در قصیده «إمرأة واحدة لا تكفي» جایگاه واقعی زن را «شرق» می‌داند و با این تفکر زنانه‌ی شرقی اصیل، دیدگاه اغلب مستشرقین را که زن شرقی را پست و ضعیف می‌داند و «معتقد است که زن شرقی هیچ صدایی ندارد که بخواهد بالاتر از مردان باشد را نفی می‌کند. او به زن شرقی به مثابه یک جادوگری می‌نگردکه زیبائی‌اش خیره کننده است و در این قصیده، شادی شکوه را با او به تماشا می‌نشیند و معتقد است که یک زن برای درمان رنج‌ها و دردها کافی نیست» (یحیایی،۲۰۱۵: ۲٤). «النّساءُ في شَرقِنا../ لِلنَّسلِ لِلحَرثِ لِلبَهجةِ لِلبَهاءِ/ امرأةٌ واحدةٌ لا تَكفِي لِاستِحلابِ الشِّفاء» (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۹۸) **(ترجمه) « زنان در مشرق ما / برای نسل‌آوری برای کاشتن برای شادکامی برای زیبایی هستند/ یک زن به تنهایی برای دوشیدن درمان کافی نیست.»**

صفارزاده نیز برای مبارزه با جامعه مرد سالار ایرانی و به نشانه اعتراض به شیوه اجرای قانون با زبانی کاملاً زنانه می‌گوید: «بر دیوار یک جزیره نفتی خواندم / آهوها را نکشید/ جزیره هرگز خواب هیچ گیاهی ندیده بود/ و آهوان در حمایتی ظالمانه له له می‌زدند/ کسی به زیبایی آنان رحمت آورده بود یا زیباییِ/ جزیره/ .../ آیا ریشه‌های سوخته جنگل روی گوشواره‌های/ زنی که در دره می‌افتد/ سایه‌ای خواهند انداخت» (صفارزاده،۱۳٦۵ج: ٤٦) او در شعر دیگری محدودیت‌هایی که در جامعه برای دختران، زنان و حقوق آن‌ها وجود دارد را به تصویر می‌کشد: «بادبادک‌های من هرگز آن‌سوی غروب پرواز/ نکردند/ وگرنه دست‌های مرا با خود می‌بردند/ و گرنه دست‌هایم با نخ‌های کشیده‌شان می‌رفتند/ همیشه صدایی بود که نمی‌گذاشت که فرمان می‌داد/ بیا پایین دختر/ دم غروبی از لب بوم/ بیا پایین، بیا پایین، بیا پایین، بیا پایین، پایین» (صفارزاده،۱۳٦۵ب: ٤۵)

www.SID.ir

Archive of SID

به طور کلی با مطالعه دیوان هر دو شاعر این نتیجه حاصل می‌شود که بنت خاطر دلی مالامال از تبعیض و نابرابری حقوق زنان در جامعه عربی دارد و اثرات این تفکر فمنیستی در جای جای اشعارش به چشم می‌خورد، اما صفارزاده بینشی متعادل‌تر و آرام‌تری نسبت به این مسأله در محیط فرهنگی و اجتماعی ایران دارد.

۲. بیان اندیشه‌های دینی

اندیشه‌ها و مفاهیم دینی بازتاب گسترده‌ای در اشعار بنت خاطر و صفارزاده دارد به عنوان مثال «آن گاه که بنت خاطر در قصیده‌ی «أَوغَلَ بعیداً... إليّ» از معشوق سخن می‌گوید؛ او را به اصول دین (نماز، زکات، روزه و حج) تشبیه می‌کند؛ گرایشات دینی وی آشکار می‌شود » (حویّر الشّمس،۲۰۱۵: ۲۲۵): «ذاك الّذي صَلّيتُهُ فَرضاً / زكيتُهُ فَرضاً /صَوَّمتُ عَظمي عَليه / وَ حجّي القَصِيّ» (بنت خاطر،۲۰۰۹: ۱۲۹) (ترجمه) «آن کسی که او را همچون نمازم واجب می‌دانم/ او را همچون زکات، واجب می‌دانم/ او را همچون روزه، بزرگ می‌دانم/ او حج دست نیافتنی من است.»

شعر صفارزاده نیز رنگ و بوی مذهبی دارد و ردّ پای دین و اعتقاد را به وضوح می‌توان در اشعار وی مشاهده کرد. در شعر«مسافری ناپیدا» با زبانی زنانه، موعود را مورد خطاب قرار داده است و از واژه‌های کاملاً زنانه مانند: «بطن، سینه» برای بیان انتظار بهره برده است:

« در جمع این درختان/ در پای نهرهای روان/ با پرندگان/ حتی/ میان بویناکی این شهر تفرقه/ فرود عطری سرد/ در بطن سینه‌ام/ وقتی که انتظار ندارم/ حتمی است/ سرمای تب شکن یخ/ همراه ناشناس‌ترین عطر/..../ بر بطن سینه‌ام ترسیم می‌شود» (صفارزاده،۱۳٦٦: ٧٤)

۳. بیان احساسات و عشق

مضامین ناشی از نگرش خاص زنان شاعر به زندگی و اجتماع، جلوه‌های گوناگونی دارد که در اغلب موارد، از طریق زبانی که دارای گرایش‌های جنسیتی است، بیان شده است. در عین حال، نسبت به کارگیری واژگان زنانه در شعر دو شاعر مورد نظر، بر اساس تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامعی که در آن پرورش یافته و بالیده‌اند متفاوت است.

عشق در اشعار بنت خاطر «به عنوان یکی از بزرگترین فضایل، تقدیس شده است و در بیشتر موارد، همراه اندوه و شکایت از فراق محبوب، توصیف می‌شود. قداست عشق در نظر شاعران این مکتب، باعث شده که ارزش زن در ادبیّات رمانتیک بسیار متعالی گردد، و زن همچون فرشته‌ای آسمانی تلقی گردد که به منظور تطهیر قلب‌ها به وسیله عشق، ازآسمان فرود آمده است» (غنیمی هلال، بی‌تا: ۱۷۱).

وی در کتاب «وحدك.. تبقى صلاة يقيني» «بر تجربه‌ی امکان قیام روح با عشق، در میان آوارهای این جهان، متمرکز گردیده و معتقد است با عشق می‌توانیم رؤیاهایی که زندگی همیشه با آن‌ها به پا خواسته را گسترش دهیم. از این‌رو شاعر در سفارش تلمیحی به معشوق و سوق دادن او به سوی جزیره‌های رؤیاها تردیدی نمی‌ورزد» (شعبان یوسف، ۲۰۱۷: ٦٢) و می‌گوید:

www.SID.ir

Archive of SID

«كُن عاشقاً / أَسرِج بُراقَكَ سَيّدي/ كي أَمتَطي صَهَواتِهِ/ فَالحُبُّ مُغتَسَلٌ طَهورٌ/ وَ الحُبُّ عِطرُ الكونِ/ مَمزوجٌ بِضَحكة الرَّبِّ الغَفورِ» (بنت خاطر،۲۰۰۵: ۲۵)

(ترجمه) « عاشق باش/ اسبت را زین کن سرورم/ تا بر پالان آن سوار گردم/ عشق سرچشمه‌ی پاکی است/ و عشق رایحه‌ی هستی است که با لبخند پروردگارآمرزنده آمیخته گشته است.»

شاعر در این قصیده با تکرار بند شعری «كُن عاشقاً یا سیّدي» مفهوم عشق را به خواننده القا می‌کند:

«كُن عاشقاً../أَسرِج بُراقَك سَيّدي/.../ وَ الحُبّ صِنوُ النُّورِ في أَجسادِنا/ كُن عاشقاً يا سَيّدي/ وَ اجمَع لُغاتِ الوالِهينَ/ وَ اسكُب عَلَى شَفَتَيّ رَونقَها/ المُخَضَّبَ بِالحَنينِ» (بنت خاطر، ۲۰۰۵: ۲۵-۲۷)

(ترجمه) «عاشق باش/ اسبت را زین کن سرورم/ .../ عشق مانند نور در کالبد ماست/ عاشق باش سرورم / واژگانِ شیفتگان را گردهم آور/ و بر لبانم درخشش آن، که به رنگِ اشتیاق خضاب شده، را بریز.»

در حالی که شعر صفارزاده وظیفه پیام رسانی به مخاطب را به دوش می‌کشد. به بیان دیگر، او زبان زنانه را به عنوان محملی برای انتقال پیام و اندیشه به کار می‌گیرد و چندان تمایلی به این نوع استفاده از کلمات زنانه ندارد. او ندرتاً از زبان زنانه اش برای بیان تلخی‌ها، ناکامی‌ها، مسایل و مشکلات مربوط به زنان در جامعه استفاده کرده است. با شعر «کودک قرن» در میان جامعه ادبی ایران شناخته شد. شعری که در آن به زندگی زنان مدرن و وضعیت بچه‌های این زنان اشاره شده است و ترس و نگرانی کودک و فضای تاریک خانواده‌اش را نشان می‌دهد و این شعر نوعی نوشته‌ی «گوتیک» است که در آن نوعی وحشتی آمیخته به عبرت و تأسف به خواننده القا می‌شود. (بی‌نیاز،۱۳۸۷: ۱۲۵):

« کودک این قرن هر شب در حصار خانه‌ای تنهاست/ پر نیاز از خواب، اما وحشتش از بستر آینده و فرداست/ شب چو خواب آید درون دیده او/ پرسد از خود « باز امشب مادرم کو؟/ بانگ آرامی برآید: چشم بر هم نه که امشب مادرت اینجاست/ پشت یک میز، زیر پای دودهای تلخ سربی رنگ...»(صفارزاده، ۱۳۴۹: ۲۳

ب. واژگان مادرانه

اولین موضوعی که در نوشتار زنانه از ابتدا مطرح شد؛ رنج «زن» و «مادر»، بیان سختی‌های بارداری و زایمان است. «جامعه عُمان به‌تدریج، شعر زنانه را پذیرفت؛ شعر زنانه با کمترین اعتراض با قصیده‌ی «الأمومة» آغاز شد، ارزشی که سبک و سیاق اجتماعی مردانه با آن هیچ مخالفتی نکرد. این قصیده صحنه‌های شاعرانه زنانه‌ی عُمانی را در مقایسه با الگوهای اجتماعی و فرهنگی و عدم ارزش ذهنی آن، که عمیقاً تجارب زن و مادر و احساسات او را با شادی، اضطراب، ترس و مراقبت از اولین فرزند خود آن‌گاه‌که جسمش آرام آرام سنگین می‌شود «أثقلت جسماً خفيفاً خلّي» متمایز می‌کند این همان احساسی است که مرد از درک ماهیت آن و کُنه ذاتش عاجز است» (یحیایی،۲۰۱۵: ۲۱).«وَ أَيقَظَني مِن سُباتٍ عَميقٍ/ مَلاكٌ يُغرِّدُ في جانبي/ بِحِضنِ الأُمومةِ يَحلو لَهُ/ مَلاذاً وَ عُشّاً بِهِ يَختبي/ نَظَرتُ إليهِ كَمَن راقَهُ/ هِلالٌ يُشَكِّلُ وجهَ الصّبيّ/ حَمَلتُكَ وَهناً على الوَهنِ كُرهاً/ أَلا أَفهِم بُنيّ وَ لا تَعجَب/ إذا ما سَقيتُكَ ماءَ العُيونِ/ وَ يَنبوعَ رُوحي وَ ما اجتَبي/ فَكُن لي مُعيناً إذا ما الزَّمانُ/ رَماني بِسَهمٍ على مَنكَبي/ فَمِثلُكَ حُلمي وَ حُلمُ اللّيالي/ وَ كُلُّ فَتاةٍ تَزورُ الأَمانيّ/ وَ تَحلُمُ مَن في حَشاها نَبّي » (بنت خاطر،۲۰۰۹: ۲۷)

www.SID.ir

Archive of SID

(ترجمه) «مرا از خواب عمیق بیدار کرد/ فرشته‌ای که در اطراف من آواز می‌خواند/ آغوش مادری برای او شیرین است/ و پناهگاه و لانه‌ای است که در آن مخفی می‌شود/ عاشقانه به او نگاه کردم / ماهی که چهره‌ی کودک را شکل می‌داد / با سختی و سستی تو را حمل کردم/ هان! پسرم بفهم و تعجب نکن/ آن‌گاه که تو را از آب چشمانم و سرچشمه روحم سیراب نمودم/ و چیزی را برنگزیدم/ یاور من باش آن‌گاه که زمانه / شانه‌ی مرا هدف تیر خود قرارداد/ پس همچون تویی رؤیای من و رؤیای شب‌های من است/ هر دختری، به دیدار آرزوها می‌رود / و رؤیای کسی را می‌بیند که در درونش پیامبری است.»

بنت خاطر با ستایش عشق مادر؛ او را جاودانه‌ای می‌داند که لایق بهشت است: «عَلِمتُ يَقيناً بِأنّ الإلهَ/ تَجَلّى لَنا نَفحةُ الأَطيَبِ/ وَ أَنَّكِ أُمّاه خَيرُ الوَرَى/ وَ أنَّ الجَنانَ لَكِ فَاطرِبي/ وَ أَنَّك مَهما تَرامَى الزَّمانُ/ مَعينُكِ باقٍ وَ لم يَنضِبِ/ وَ أَنّي مَهما بَذَلتُ النَّفيسَ/ أَراني أَقصِرُ في واجِبي» (بنت خاطر،٢٠٠٩: ٢٦)

(ترجمه) «به یقین دانستم که خداوند/ بوی خوش پاکیزگی را برای ما آشکار می‌کند/ و تو ای مادرم بهترین مردم هستی/ و بهشت برای توست پس شاد باش/ هرگاه زمانه تیراندازی کند؛ سرچشمه‌ی تو باقی‌ست و خشک نمی‌شود/ و هرگاه من چیز ارزشمندی را ببخشم/ خودم را می‌بینم که در انجام وظیفه‌ام کوتاهی می‌کنم.»

واژگان مربوط به بارداری و زایمان در شعر بنت خاطر نمود ویژه‌ای دارد و تفاوت بسیار آشکاری در کاربرد این نوع واژه در زبان بنت خاطر و صفارزاده از این منظر وجود دارد. حتی عنوان برخی از سرودهای بنت خاطر مانند: (الحفيدة، إمرأتان) نشانگر این مفهوم است که سراینده شعر یک زن است. اما صفارزاده برخلاف بنت خاطر نه تنها برای بیان مشکلات و دردهای زایمان و طعم شیرین فرزنددار شدن از زن و زایمانش نمی‌گوید بلکه در قالب خاطره‌ای از مادرش، فریاد دادخواهی سر می‌دهد و نگرش تحقیرآمیز جامعه به زن را در شعر«زادگاه» این گونه بیان می‌کند:

«من زادگاهم را ندیده‌ام/ جایی که مادرم/ بار سنگین بطنش را در زیر سقفی فرو نهاد/هنوز زنده‌است/ نخستین تیک تاک‌های قلب کوچکم/ در سوراخ بخاری و درز آجرهای کهنه و/ پیداست جای نگاهی شرمسار بر در دیوار اتاق/ نگاه مادرم/ به پدرم/ و پدر بزرگم/ صدایی خفه گفت/ دختر است!/ قابله لرزید/ در تردید سکه ناف بران/ و مرگ حتمی شیرینی ختنه‌سوران» (صفارزاده، ١٣٦٥ج: ٢٣)

نمودار۱. تطبیق بسامد استفاده از واژگان زنانه و مادرانه در آثار مورد پژوهش

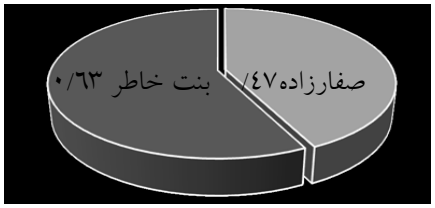

ج. واژگان تابو

یکی از مصادیق تأثیر فرهنگ و ارزش‌های جامعه بر زبان، پدیده‌ای موسوم به دشواژه یا واژگان تابو است. «دشواژه‌ها صورت‌های زبانی هستند که ذکر آن‌ها از لحاظ فرهنگی مذهبی و اجتماعی ناشایست تلقی می‌شود و به‌کارگیری نادرست و

www.SID.ir

Archive of SID

نابجای آن‌ها، احیاناً منجر به سرافکندگی یا از دست دادن موقعیت اجتماعی فرد می‌شود؛ اما در گفتار قشرهایی از جامعه به وفور به کارمی‌رود. برخی از این واژه‌ها، فحش و ناسزا هستند که خود نشان دهنده‌ی بار منفی فرهنگی آن‌هاست» (ارباب، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

در بین زنان و مردان تفاوت‌هایی در کاربرد یا عدم کاربرد این گونه‌ی زبانی دیده می‌شود. زنان در برخورد با این واژگان محتاط‌تر عمل می‌کنند. نوع واژگان به کار برده شده به وسیله‌ی این دو گروه جامعه نیز تا حدودی متفاوت است. لیکاف معتقد است که «در زبان انگلیسی، مردان بیش از زنان از اصطلاحات زشت استفاده می‌کنند. او معتقد است زنان از عبارات خشن، بی‌ادبانه و دور از نزاکت استفاده نمی‌کنند، آن‌ها متخصصان استفاده از حسن بیان‌اند. دختران و پسران از ابتدا یاد می‌گیرند که دو گونهٔ گفتاری داشته باشند. از این‌رو، به دختران یاد داده می‌شود که مانند خانم‌ها صحبت کنند. بنابراین، گفتار دختران بیشتر به گونه مؤدبانه گرایش دارد تا گفتار پسران. در واقع، به زنان یاد داده می‌شود که مؤدب باشند تا گونه‌ای متفاوت با گونه‌ی مردان را معرفی کنند.» (فتوحی،۱۳۹۱: ۳۹۹)

از آن‌جا که واژگان زبان، محملی برای ظهور باورهای ذهنی، تفکرات و احساسات درونی شاعران است، در بسیاری از واژه‌هایی که این دو شاعر زن به‌کار برده‌اند، تمایلات وگرایش‌های جنسی مشاهده می‌شود که به شکلی متفاوت از واژگان تابو استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال بنت خاطر در قصیده‌ی «بعد الأربعین» از واژگان تابو که منعکس کننده‌ی ویژگی‌های جنسیتی و بیولوژیک زنان است؛ بهره می‌گیرد و الهامات و لایه‌های جنسی زنانه را آشکار می‌کند:«أَبعِد یَدیكَ عن مَسامِ أُنوثَتي/ فَالمرأةُ بعدَ الأربعینَ/ تَحفِرُ لِمَساماتِها جَداولَ أُخری» (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۳۷) (ترجمه) «دستت را از زنانگی‌ام بردار/ زن بعد از چهل سالگی/ برای زنانگی‌هایش جویبارهای دیگری حفر می‌کند.»

شاعر در قصیده‌ی «إمرأتان» از کلمات و عباراتی که مختص حریم خصوصی در جامعه است استفاده می‌کند: «هي إمرأة تَرتَعُ في زوایا/ النّصیب و القِسمةِ/ تَتَقَلّبُ فَوقَ أَسِرَّة الضُّلوعِ/ تَنامُ تحتَ أَجنحتِك الظَّليلةِ/ تَتَنَسَّمُ عبیرَ فُحولتِكِ/ مُترِعةً أُنوثَتُها بِالخِصبِ/ یَتَوَرَّدُ ثَدیُها بِالسّقیا» (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۵۵)

(ترجمه) «او زنی است که در مرغزار قسمت و نصیب گشت و گذار می‌کند/ در بالای استخوان‌های پهلو می‌چرخد/ زیر بال‌های پُرسایه‌ی تو می‌خوابد / و بوی خوش مردانگی‌ات را استشمام می‌کند/ در حالی که زنانگی‌اش با ناز و تنعّم لبریز می‌شود/ و سینه‌اش با سیراب کردن گل می‌کند. [با شیر دادن به فرزند، قرمز می‌شود.]

واژه‌های تابو در اشعار صفارزاده نادر و کمیاب است. در شعر «کودک قرن» با کلماتی مانند« آغوش، هم‌آغوشی» چهره مادری بی‌بند و بار را به تصویر می‌کشد: «شام دیگر چونکه خواب آید درون دیده‌ی او/ پرسد از خود باز امشب مادرم کو/ بانگ آرامی درون گوش او آهسته لغزد/ مادرت اینجاست!!/ در سرای رنگی شب زنده داران/ در هوای گرم و عطرآمیز یک زندان/ قامت آن مادر زیبا بگرد قامت بیگانه‌یی/ پیچان و دستش گردن آویز است/ پای آن‌ها در زمین نرم آهنگی قدم ریز است/ آن اطاق از بانگ نوش وخنده‌ی مستانه لبریز است/ می‌زند فریاد/ مادر!/ جای من آنجاست / آغوشی که مرد ناشناسی سرنهاده» (صفارزاده، ۱۳۴۹: ۲۳) و در شعر «سفر عاشقانه» : «مردان ذره بینی/ این جِرم های خودی/ خانوادگی/ حتی به بطن روسپیان حمله می‌برند» (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۵۷)

www.SID.ir

Archive of SID

نمودار۲. تطبیق بسامد استفاده از واژگان تابو در آثار مورد پژوهش

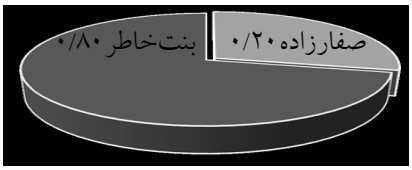

٤. ١. ٢. ترکیبات زنانه

در این بخش ترکیبات وصفی و اضافی که جنسیت این دو شاعر زن بر انتخابشان تأثیرگذار بوده است و نشانی از گرایش‌های زنانه دارد استخراج و گردآوری شد، این نوع ترکیبات و عبارت‌های زنانه در اشعار بنت خاطرکاربرد ویژه‌ای دارد مانند ترکیباتی: «أرحامُ النّساءِ، بِنکهةِ النساءِ، عَباءةَ الطیش» در اشعار ذیل:

«فَیَنتَصِرُ عَلی یَدیهِ التُّرابُ/ یَخشَی أَن تَستَولِدَ المجدَ أَرحامُ النّساءِ» (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ۹۷) (ترجمه) «پس، خاک به دستان او پیروز می‌گردد/ می‌هراسد که زهدان زنان، سربلندی را بزاید.»

«و العِشقُ تجَري نهُورُه/ بِنَکهَةِ النّساءِ» (همان: ۹۸) (ترجمه) «و جوی‌های عشق/ با بوی زنانه جاری است.»

«و تَکتَحِلُ في شَلّالاتِها رُموشُ الصَّباح/و تَنزِعُ عَنها عَباءةَ الطَّیش المزَخرَفِ»(همان: ۳۸) (ترجمه) «مُژه‌های بامداد در آبشارهای او سُرمه می‌کشند/ و جامه‌ی سبکسرانه‌ی آراسته‌ی وی را می‌کَنَد.»

همچنین شاعر در قصیده «إمرأتان» با قراردادن ترکیب استعاری «ریحُ المخاض» در کنار جمله‌های هماهنگ شعر، تأثیر جنسیت را بر کاربرد ترکیبات شاعرانه و مادرانه، نشان می‌دهد: «حِینَ تُزَمجِرُ ریحُ المخاضِ/ تُلاطِمُ أمواجُها مَرکبي» (بنت‌خاطر، ۲۰۰۹: ٢٤)

(ترجمه) «هنگامی که تندباد درد زایمان فریاد می‌کشد/ امواج آن زورق وجودم را درمی‌نوردند.» صفارزاده نیز در شعر «نهنگ‌ها با من مهربان بودند» با چینشی هنرمندانه و با ترکیب زنانه‌ی «پیراهن خواب گلدار» واژگان زنانه و متضاد «پوشیدگی» و «برهنگی» را کنار هم می‌آورد تا بُعد احساسی وجود زن را ملموس‌تر جلوه دهد: «نهنگ‌ها با من مهربان بودند/ شبی به اقیانوس پا نهادم/ پوشیده از برهنگیِ کام/ نفرتم را در پیراهن‌های خواب گلدار پیچیدم/ و برای صورت‌های خالی فرستادم/ آن‌ها که عشقشان را به گل‌ها می‌دهند» (صفارزاده،١٣٨٦ : ۵۵) و در شعر «کوتوله‌ها» از دفتر «سدّ و بازوان» ترکیبات زنانه‌ی (روسری قرمز، زود از شیر گرفته‌اند، موی کوتاه،کفش پاشنه بلند) را بکار می‌برد. «آن گاه زنی در کنار رودخانه/ نمایان می‌شود/ که اندیشه‌کنان سایه‌ی یک روسری قرمز را بر روی پیراهن سفیدش می‌کشد/.../ کوتوله‌ها می‌گویند/ او را زود از شیر گرفته‌اند/ کوتوله‌ها می‌گویند رنگ آبی به او می‌آید/ کوتوله‌ها می‌گویند/ موی کوتاه به او نمی‌آید/ کوتوله‌ها می‌گویند کفش پاشنه بلند/ به او بهتر می‌آید» (صفّارزاده،۱۳۵۰: ۵۵)

نمودار۳. تطبیق بسامد استفاده از ترکیبات زنانه در آثار مورد پژوهش

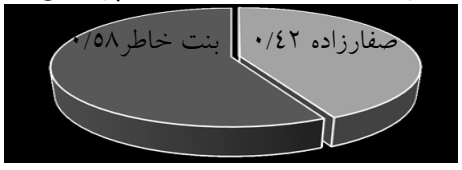

www.SID.ir

Archive of SID

٤. ١. ٣. فعل و عبارت‌های فعلی زنانه

در بررسی شعر دو شاعر ، عبارت‌های فعلی و افعالی استخراج شد که این شاعران متناسب با جنسیتشان انتخاب کرده‌اند؛ بنت خاطر در قصیده‌ی «بعد الأربعین» از دفتر شعری «مازلتُ أمشي علی الماء» با کاربرد افعال زنانه به توصیف حالات جسمی، روحی- روانی زنان پس از چهل سالگی می‌پردازد:«تَتَخَلَّقُ بعدَ الأَربعینَ مِن جَدیدْ/ تَمُدُّ یَدَیها تَحصُدُ أسرارَ الخِصب» (بنت خاطر، ۲۰۰۹: ٤٠) (ترجمه) «پس از چهل سالگی دوباره آفریده می‌شود/ دستانش را دراز می کند تا رازهای باروری را درو کند.»؛ «أَزِحها ثُمَّ هَدهِدْ مَساماتِ الرّوحِ/ یَتَوالَدُ مِنها عُشبُ النَّزَقِ»(همان: ۳۸) (ترجمه) «آن را کنار بزن سپس روزنه‌های روحم را به آرامی بخوابان/ از آن سبزه‌ی چالاک، به دنیا خواهد آمد.»

فعل‌های زنانه در شعر صفارزاده برخلاف اشعار بنت خاطر، بسیار کم و انگشت شمار است. فعل‌های «هلهله کردن، رشک بردن، گردگیری کردن» در اشعار زیر نمونه‌هایی از این نوع افعال در شعر صفارزاده است:

«در هفت‌سین باستانی/ سرخاب را دیدم که هلهله می‌کرد/ و سین قرمز ساکت بود» (صفارزاده،١٣٥٦: ۳۸)؛ «... و من به مادرش که می‌توانست اشیا اتاق او را گردگیری کند/ و به لباس‌هایش دست بزند، رشک می‌برم/ او چیز دیگری بود...» (صفارزاده،۱۳۹۱: ۷۹)؛ « ناشناسان/ گردباد را/ می‌انگاشتند/ که در وزیدن فقط خاکروبه‌ها را می‌زداید/ برگ‌های سست درختان را می‌پراکند.» (همان: ۱۷۵)

٤. ٢. سطح نحوی زبان زنانه

سطح نحوی زبان زنانه در این جستار بر اساس نظرات لیکاف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برهمین پایه او تأکید می‌کند که زنان بیش از مردان ازجمله های پرسشی و تأکیدی استفاده می‌کنند؛ بنابراین تفاوت زبان زنان و مردان، را در سطح نحوی در کاربرد فراوان این جملات از سوی زنان می‌داند. بدین ترتیب، یکی از نکته‌های قابل‌توجه این است که «جمله‌های پرسشی و تأکیدی، پیش از آن‌که به جنسیت مرتبط باشد، باقدرت در پیوند است. در نوشتار مردانه نیز در مواجهه با قدرت (به‌ویژه سیاسی)، این‌گونه ساختارها بیش‌تر نمودار می‌شوند و قابل‌انتظار است که در زبان زنان نیز که همواره در رویارویی با قدرت مردان بوده‌اند، این نوع کاربرد جمله‌ها شاخص‌تر باشد» (لیکاف، ۱۹۷۵: ۵۳). در نتیجه در این بخش، بسامد و نوع کاربرد جمله‌های پرسشی و تأکیدی در شعر این دو شاعر زن موردبررسی قرار می‌گیرد.

٤. ٢. ١. جملات پرسشی

زبان شناسان معتقدند پرسش‌گری در گروه زنان که عموماً با جمله‌های کوتاه پرسشی(مگه نه؟ اینطور نیست؟) ساخته می‌شود. به‌ویژه هنگامی‌که در مسیر مکالمه تکرار شود، بیش از آن‌که به‌منظور کسب اطلاعات از سوی مخاطب باشد، برای ایجاد ارتباط با مخاطب است و نوعی فضای مشارکت را فراهم می‌آورد. در مجامع رسمی نیز طرح سؤال از سوی خانم‌ها معمولاً جنبه حمایتی دارد و به پیشبرد سیر گفتگو کمک می‌کند.

www.SID.ir

Archive of SID

لیکاف این موضوع را به‌صورت دیگر تحلیل می‌کند و بین ویژگی‌های زبانی و موقعیت اجتماعی زنان، نوعی رابطه مستقیم متصور است و اعتقاد دارد «عدم قاطعیت در گفتار این گروه که به‌صورت طرح سؤال نمایان است، با عدم اطمینان آنان از اوضاع جایگاه اجتماعی متزلزلی که در آن قرار دارند ارتباط دارد.» (لیکاف،۱۹۷۵: ۷۳)

دو شاعر به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در جامعه دارند برای بیان مسائل سیاسی و اجتماعی با گفتاری قاطع از جملات پرسشی استفاده می‌کنند.

بنت خاطر در قصیده‌ی «أ تدري لماذا؟» با هشت بار تکرار بند «عرفتَ لماذا نحبّك أكثر نحن النساء؟» بر مقصود خویش تأکید می‌کند:«أَ تَدري لِماذا نُحِبُّكَ أَكثرَ نَحن النِّساء!!/ بِدونِ حُدودٍ.. بِدونِ إرتواء؟!!/ عَرفتَ لماذا نُحبُّكَ أَكثرَ نحن النّساء؟» (بنت خاطر،۲۰۰۹: ۸۲- ۸۵)

(ترجمه) «آیا می‌دانی برای چه ما زنان تو را بیشتر دوست داریم!!/ بی‌اندازه... بدون سیراب شدن؟!!/ دانستی برای چه ما زنان تو را بیشتر دوست داریم؟»

همچنین شاعر با تکرار لفظ سؤالی «لماذا» پرسش‌های ذهنی خود را از مخاطب می‌پرسد:

«وَ لِماذا يَهطُلُ/ بِالصَّباباتِ العَذابِ../ كَأَنّها قَطَراتُ العِشقِ/ لِماذا هذا الصّباحُ../ يُقطِّرُ صباحاتِ المَدى../ وَ يَلِفُّها../ في باقةٍ من أُقحوان../ إنَّهُ../إنَّهُ../ عِيدُ ميلادُ حَبيبي» (بنت خاطر، ۲۰۰۵: ٥٤)

(ترجمه) «و چرا عذاب صاعقه وار می‌بارد/ گویی که قطره‌های عشقند/ چرا این صبح/ سرتاسر بامدادان را چکه چکه می‌کند/ و آن را در دسته‌ای از بابونه می‌پیچد/ او ..... او جشن تولد معشوق من است.»

صفّارزاده نیز زنی است با اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی که با شیوه‌های مختلف، علیه بی‌عدالتی و استبداد داخلی و استعمار گران خارجی مبارزه می‌کند و از زبان سؤال و پرسش برای تحقق آرمان‌های خویش مدد می‌گیرد: «صدای پرسش دریا از شب / صدای پرسش دریا از دریا /می‌آید/ آیا فردا دوباره ابر است؟ / و انقراض سلسلهٔ اضطراب ممکن نیست» (سفر پنجم، ۱۳٦٥ج: ۹٦)

٤. ۲. ۲. جملات تعجبی

محققان معتقدند که «در مقابل خشونت واژگانی که ویژگی رفتار زبانی مردان در نظر گرفته می‌شود، زنان تمایلی به کاربرد اصطلاحات و عبارات تعجبی و ندایی خاص دارند که از ویژگی‌های شاخص رفتاری آنان محسوب می‌شود» (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۹) «زنان از جملات تعجبی بیشتری استفاده می‌کنند که تنها تکمیل‌کننده‌ی متن است» (برهومهٔ، ۲۰۰۲: ۱۲۸).

بنت خاطر با به‌کارگیری اسلوب تعجب، شگفتی خویش را از زیبایی معشوق را به زیبایی نشان می‌دهد:

«فَسُبحانَ الذي وَمَضَت/ سَماؤُهُ في مُحيّاكا/ وَ سُبحانَ الذي أَهدَى/ لِقَلبك مِن ربيعِ الكونِ/ بُستاناً وَ تَحناناً/ لِيُهدى القلبَ ألواناً» (بنت‌خاطر، ۲۰۰۵: ۳۳)

(ترجمه) «منزّه است او که آسمانش بر رخسار تو درخشید/ و منزّه است او که به قلب تو از بهار هستی/ باغ و شفقتی عطا نمود/ تا قلب را رنگ‌هایی ببخشد.»

www.SID.ir

Archive of SID

گل سرخ در قصیده‌ی «للوردة أریجُ الحریّة» نمادی از شهید است و شاعر از رمز و راز جاودانگی و زیبایی آن اظهار شگفتی و تعجب می‌کند:

«لَن یَستَطیعوا اغتیالَ الوَردةِ /فَمِن دِمائِها تَنبَثِقُ/ هالاتُ اللّونِ وَ عَبقریّةُ أَفیاءِ الحُریّةِ/ لَن یَستَطیعوا سَرقةَ الأَریج/ فَلِلّهِ سِرُّ أَسرارِهِ!/ وَ لَهُ الاصطِفاءُ » (بنت خاطر،۲۰۰۹: ۱۰٦)

(ترجمه) «نخواهند توانست گل سرخ را بکشند/ از خون‌هایش/ هاله‌های رنگ و نبوغ سایه‌های آزادی، متجلّی می‌شود/ نخواهند توانست بوی خوش را برُبایند/ شگفتا از رمز و رازش!/ و انتخاب از آن اوست.»

اما شعرصفّارزاده از نمونه‌های شعر مفهوم گراست، و اولویّت بدیهی شاعر بیان اندیشه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و مذهبی در سال‌های مبارزه و جنگ است از جملات تعجبی گروه دوم بیشتر استفاده می‌کند. به‌عنوان‌مثال: آزادی در شعر او به سبزه‌ای تشبیه شده است که به‌سختی از ضخامت سیمان و قشر سنگی ـ استعاره از موانع راه آزادی- عبورکرده، ولی در زیر پای باطل، پای بویناک و چکمه‌های کور ـ استعاره از ظلم و خودکامگی ـ نابودشده است. شاعر با استفاده از جملات تعجبی و تکرار واژه « سبزه»- آزادی- را به زندگی گره می‌زند: «آن سبزه/ کز ضخامت سیمان گذشت!!/ و قشر سنگی را/ در کوچه‌های شبانه بابل/ تا مُنتهای پرده‌بودن/ شکافت!/ آن سبزه زندگانی بود/ آن سبزه زندگانی بود/ و پای باطل تو/ آن پای بویناک/ با چکمه‌های کور/ آن سبزه را شکست!/ آن سبزه/ رویش آزادی/ آن سبزه/ آزادی بود» (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۷۵) و « ای نونهال/ هموار و نرم و روشن‌خوانی/ در این تلاوت معصومانه!/ چونان که در صدای ناب اذان /جان از مجاورت دلتنگی‌ها / از لانه عنکبوتی‌های این روزمره‌ها/ پر می‌کشد به خیمه‌های سرمدی بالا!» (صفارزاده،۱۳۸٤الف: ۱۳۱)

نمودار۵. تطبیق بسامد استفاده از جملات پرسشی و تعجبی در آثار موردپژوهش

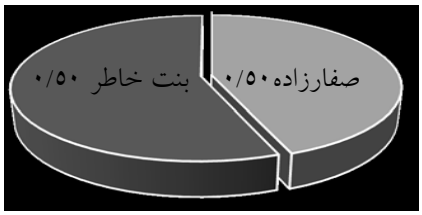

٤. ۲. ۳. جملات تأکیدی

تأکید در شعر شاعران زن بیشتر از طریق تکرار یک واژه، شبه‌جمله یا جمله، صورت می‌گیرد و شاعر با شگرد تکرار، حس درونی خود را به‌خوبی به خواننده انتقال می‌دهد. بررسی و تحلیل تکرار، میزان توانمندی شاعر در تأثیربخشی کلام و رساندن آن به مخاطب را نشان می‌دهد.

تکرار در سطح جمله، در دیوان بنت خاطر از اهمیت بسیاری برخوردار است، این نوع تکرار عاملی بر انسجام‌بخشی به زبان شاعر، در جهت القای مفهوم، نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کند و «چنین تکرارهایی علاوه بر آن‌که موسیقی کلام را کامل

www.SID.ir

Archive of SID

می‌کنند، عواطف شاعر را نیز حسی و ملموس می‌سازند و در پیوند عاطفی مخاطب با متن موثّر هستند. در چنین تکرارهایی، نوعی نظم صوری نیز در نوشتار به‌چشم می‌خورد که هم از لحاظ دیداری و هم از لحاظ شنیداری باعث اقناع مخاطب و تلذّذ او می‌شود» (مدرسی و خجسته مقال، ۱۳۹۲: ۲۷). مانند تکرار جمله‌ی «وَ ما کُلُّ أُنثی بِها روحُ أُنثی» در شعر:

«فَإن تَصطَفيك/ رأيتَ بِعَينَيها صُبحاً وَ ليلاً/ وَ ما كُلُّ أُنثى بها روحُ أُنثى/ وَ ما كُلُّ أُنثى بها عِطرُ أُنثى/ وَ ما كُلُّ أُنثى بِها عِشقُ أُنثى../ وَ ما كُلُّ أُنثى..» (بنت خاطر،۲۰۰۹: ٦٣)

(ترجمه) «اگر تو را برگزیند/ با چشمانش صبح و شب را می‌بینی/ هر زنی روح زنانه ندارد/ هر زنی عطر زنانه ندارد../ هر زنی عشق زنانه ندارد../ هر زنی... ندارد.»

در قصیده‌ی «مُلاكمة» ۹ بار مشتقات این کلمه به اشکال مختلفِ فعلی و اسمی (سألكمها، تلاكمني، ألكمُها، مُلاكمتي) تکرار می‌شود و شاعر برای القای مفهوم ذهنی خویش به مخاطب از واژگان (خشم، آتش، اشتعال) و فعل‌هایی که بار معنایی مشابهی دارند مانند «تطحن» (که سه بار در این شعر تکرار می‌شود) استفاده می‌کند.

«سَأَلكِمُها تلكَ الصَّمَّاءَ/ البَكماءَ../العَمياءَ../ سَأَلكِمُها../.../... تُلاكِمُني../ بِبعضِ الظَّنِّ../ أَلكِمُها../ تَطحِنُني../ أُقاوِمُها/ تَطحَنُ ما تَبقَى من صَبري/... ما زالَ ذِراعُها الحَديديّ/ يَنخَرُ في صَدري/أَلكِمُها../ إبتَعِدي لستُ فَريستَك/ أَلكِمُها.../ أَلكِمُها.../ أَلكِمُها...» (بنت‌خاطر، ۲۰۰۵: ۳۹)

(ترجمه) «مشت خواهم زد برآن صخره‌ی سخت /گنگ../ کور/ بر آن مشت خواهم زد../ .../ به من مشت می‌زند../ با حدس و گمان‌ها../ بر آن مشت می‌زنم../ مرا خُرد می‌کند../ در برابر آن مقاومت می‌کنم../ باقیمانده‌ی صبرم را خرد می‌کند/.. همواره بازوی آهنینش/ سینه‌ام را خُرد می‌کند/ برآن مشت می‌زنم../ دور شو شکار تو نیستم/ بر آن مشت می‌زنم../ بر آن مشت می‌زنم../ بر آن مشت می‌زنم.»

تکرار عبارت‌ها و واژگان در ابتدای برخی از بندهای اشعار صفارزاده، هسته‌ی مرکزی شعر او را تشکیل می‌دهد و از این طریق در شعر او همبستگی ایجاد می‌شود. او در شعر «شهر در خواب» با تکرار جمله «شهر در خواب است» و سپس «خواب است خواب» معنای خوابیدن را بیشتر و بهتر القا می‌کند و خواب موسیقی شعر می‌شود:

«شهر در خواب است/ در شهر خواب است/ در شهر/ در شهر/ در شهر خواب است/ در شهر خواب است/ خواب است/ خواب است» (صفارزاده، ۱۳٦٥الف: ۵۷)

در بررسی‌های انجام شده مشخص شد، مضامینی را که این دو شاعر از طریق جمله‌ها مورد تأکید قرار می‌دهند با یکدیگر متفاوت است؛ صفارزاده از تکرار برای بیان مسائل سیاسی – اجتماعی استفاده می‌کند اما جمله‌های تأکیدی بنت خاطر مفهوم احساسات زنانه را به خواننده القا می‌کند. پس به‌طورکلی تکرار در شعر این دو شاعر می‌تواند به دو دلیل باشد؛ اول این‌که شاعر از تکرار برای بیان احساسات خود استفاده می‌کند. «کیت» و «شاتل ورث» معتقدند به دلیل این‌که زنان دایره لغات محدودتری دارند از کلمات تکراری بیشتری در بیان احساسات خود استفاده می‌کنند. (عمر ۱۹۹٦: ۹۵)

www.SID.ir

Archive of SID

دوم این‌که تکرار به محیط اجتماعی شاعر برمی‌گردد؛ زیرا بر اساس تحقیقات انجام‌شده مشخص‌شده است که یکی از موضوعات دوران معاصر، پدیده تکرار است که دلالت‌های معنوی دارد، از وجود لغوی تخطی می‌کند و به گفته نازک الملائکه « یکی از پرتوهای ناخودآگاه است که شعر را بر اعماق شاعر چیره می سازد و او را روشن می‌کند.» (ملائکه، ۱۹۸۳ :۴۳)

نمودار٦.تطبیق بسامد استفاده از جملات تأکیدی در آثار موردپژوهش

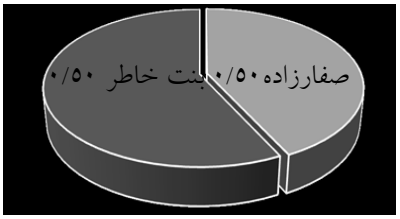

نمودار زبان زنانه در اشعار سعیده بنت خاطر و طاهره صفارزاده

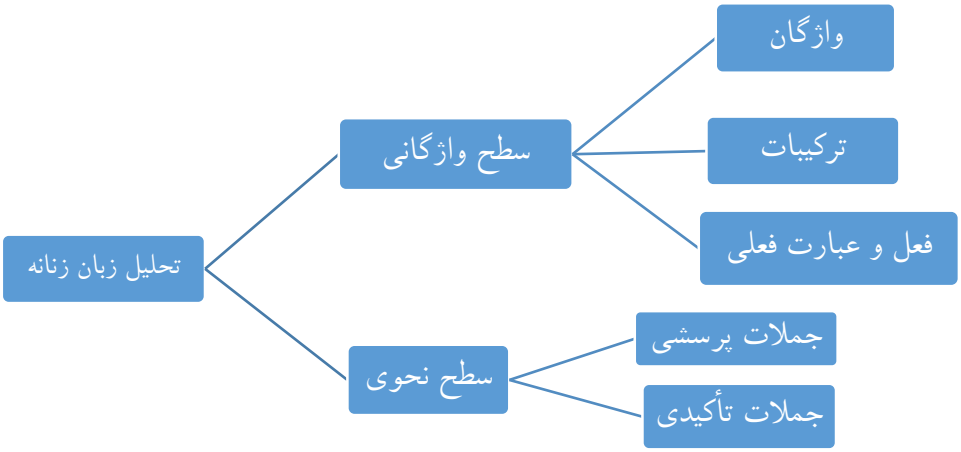

نتیجه

زنانه‌نویسی و زبان زنانه حلقه‌ی گمشده شعر عربی و فارسی تا قبل از شعر معاصر است؛ امروزه با تحول جایگاه زنان در عُمان و ایران، وضعیت شعر زنانه نیز متحول شده است. زنان امروز با حضور مستمر در جوامع هنری و فرهنگی این کشورها از دریچه عاطفی‌تر از مردان به زندگی و جامعه نگریسته‌اند و علیرغم محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، قوانین و سنت‌های موجود در ابراز عواطف و احساسات ذهنی و زبانی درزمینه هنر بسیار توانمند هستند.

سعیده بنت خاطر و طاهره صفارزاده از پیشگامان شعر زنانه عُمان و ایران می‌باشند که هر دو توانسته‌اند با کاربرد زبان، جهانی زنانه را در شعر خویش خلق کنند و به تحولات عمیقی در حوزه زبان شعری زنانه دست یابند.

در این پژوهش، زبان زنانه بر اساس نظریات وی در دو سطح واژگانی و نحوی بررسی شد و با مطالعه دیوان دو شاعر و تطبیق زبان زنانه در شعر آن‌ها نتایج ذیل حاصل شده است:

www.SID.ir

Archive of SID

۱. شعر هر دو شاعر آفریده ذهن و زبان زنانه‌ای است که با زندگی در عُمان و ایران توانسته‌اند جایگاه زن معاصر را با زبان زنانه در شعر خود تبیین کنند.

۲. هر دو شاعر از واژگان زنانه برای بیان مقاصد مختلفی مانند: مخالفت با اندیشه‌ی مردسالاری، بیان مفاهیم دینی و بیان احساسات بهره گرفته‌اند. با این تفاوت که بنت خاطر دلی مالامال از تبعیض و نابرابری حقوق زنان در جامعه عربی دارد و اثرات این تفکر فمنیستی در جای جای اشعارش به چشم می‌خورد اما صفارزاده بینشی متعادل‌تر و آرام‌تری نسبت به این مسأله در محیط فرهنگی و اجتماعی ایران دارد.

۳. نسبت به کارگیری واژگان زنانه در شعر هر دو شاعر، بر اساس تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامعی که در آن پرورش‌یافته و بالیده‌اند متفاوت است. به‌عنوان مثال: بنت خاطر برای پررنگ کردن بُعد رمانتیک شعرش از واژگان زنانه برای بیان مضامین حسی- عاطفی کمک می‌گیرد درحالی‌که شعر صفارزاده وظیفه پیام‌رسانی به مخاطب را به دوش می‌کشد. به‌بیان‌دیگر، او زبان زنانه را به‌عنوان محملی برای انتقال پیام و اندیشه به کار می‌گیرد و چندان تمایلی به این نوع استفاده صریح از کلمات زنانه ندارد.

٤. اشعار بنت خاطر بیش از صفارزاده مادرانه و عاطفی است؛ حتی عنوان برخی از قصائد بنت خاطر مانند: (الحفیده، إمرأتان) نشانگر این مفهوم است که سراینده شعر یک زن است اما صفارزاده برخلاف بنت خاطر در اشعارش نگرش تحقیرآمیز جامعه به زن را به تصویر می‌کشد.

۵. بنت‌خاطر الهامات و مسائل جنسی زنانه را با واژه‌های تابو آشکار می‌کند در حالی‌که این نوع واژگان در اشعار صفارزاده نادر و کمیاب است.

٦. دو شاعر زن موردپژوهش به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در جامعه دارند از ساختار نحوی زبان زنانه (جملات پرسشی/ تعجبی) با گفتاری قاطع برای بیان مقاصد سیاسی، اجتماعی بهره می‌گیرند اما مضامینی را که این دو شاعر از طریق جمله‌ها مورد تأکید قرار می‌دهند با یکدیگر متفاوت است؛ صفارزاده از تکرار برای بیان مسائل سیاسی - اجتماعی استفاده می‌کند اما جمله‌های تأکیدی بنت خاطر مفهوم احساسات زنانه را به خواننده القا می‌کند.

کتابنامه

۱. القرآن الکریم.

۲. احمدی، بابک. (۱۳۷۸). **ساختار و تأویل متن**. چاپ چهارم. تهران: مرکز.

۳. برهومه، عیسی. (۲۰۰۲). **اللغه و الجنس، حفریات اللغویه فی الذکوره والانثویه**. عمان: دارالشروق للنشر و التوزیع.

٤. بنت خاطر الفارسی، سعیده. (۲۰۰۵). **وحدک تبقی صلاه یقینی**. دیوان شعر.

۵. ----------.(۱۹۸٦). **مدٌّ فی بحر الأعماق**. دیوان شعر.

٦. ----------.(۱۹۹۱). **آغنیاتٌ للطفوله و الخضره**. دیوان شعر للاطفال.

۷. ----------.(۲۰۰۳). **إلیها تحجّ الحروف**. دیوان شعر.

www.SID.ir

Archive of SID

۸. ----------.(۲۰۰٤). **قطوف الشجره الطيبه.** شعر شعبی.

۹. ----------.(۲۰۰٦). **موشومه تحت الجلد.** دیوان شعر.

۱۰. ----------.(۲۰۰۹). **ما زلتُ أمشی علی الماء.** دیوان شعر. القاهره: شمس للنشر و الإعلام.

۱۱. بی‌نیاز، فتح الله.(۱۳۸۷).**درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت شناسی.**تهران: افراز.

۱۲. رفیعی، سید علی‌محمد. (۱۳۸٦). **بیدارگری درعلم و هنر: شناخت‌نامه طاهره صفارزاده.** تهران: هنر بیداری.

۱۳. سلدون، رامان. (۱۳۷۲). **راهنمای نظریه‌های ادبی معاصر.** ترجمه عباس مخبر. تهران: طرح نو.

۱٤. الشارونی، یوسف. (۱۹۹۰م). **في الأدب العُماني الحديث.** لندن.

۱۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). **ادوار شعر فارسی.** تهران: سخن.

۱٦. صفارزاده، طاهره. (۱۳٤۹). **طنین در دلتا.** تهران: امیرکبیر.

۱۷. ----------. (۱۳٦۵ الف). **بیعت با بیداری.** شیراز: ا نوید.

۱۸. ---------- --. (۱۳٦۵ ب). **سدّ و بازوان.** شیراز: نوید.

۱۹. ----------.(۱۳٦۵ج). **سفر پنجم.** تهران: حکمت.

۲۰. ----------. (۱۳۸٤ الف). **دیدار صبح.** تهران: پارس کتاب.

۲۱. ----------. (۱۳۸٤ ب). **روشنگران راه.** تهران: برگ زیتون.

۲۲. ----------. (۱۳۹۱). **دیوان اشعار.** تهران: پارس کتاب.

۲۳. عمر، احمد مختار. (۱۹۹٦). **اللغه و اختلاف الجنسين.** القاهره: عالم الكتب.

۲٤. غذّامي، عبدالله. (۲۰۰۵). **تأنيث القصيدة والقارئ المختلف.** بيروت: المركز الثقافي العربي.

۲۵. غنیمی، هلال. (دون الطبع). **الرّومنتيكية.** القاهره: نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزيع.

۲٦. فتوحی، محمود.(۱۳۹۱). **سبک شناسی(نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها).** تهران: علمی.

۲۷. قبّانی، نزار. (۱۳٦۳). **شعر، زن و انقلاب.** ترجمه عبدالحسین فرزاد. تهران: امیرکبیر.

۲۸. گرین، کیت و جیل لبیهان. (۱۳۸۳). **درسنامة نظريه و نقد ادبي.** مترجم: حسین پاینده. تهران: روزنگار.

۲۹. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷٦). **جامعه‌شناسی.** ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نی.

۳۰. محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۸). **جنسیت و زبان شناسی اجتماعی.** تهران: گل آذین.

۳۱. محمدی، احسان. (۱۳۸۰). **گفتگوی تمدن‌ها.** تهران : زهد.

۳۲. مدرسی، یحیی.(۱۳٦۸). **درآمدی بر جامعه شناسی زبان.** تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

۳۳. الملائکه، نازک. (۱۹۸۳). **قضايا الشعر المعاصر.** بيروت: دار العلم للملايين.

۳٤. المهنا، عبدالله احمد. (۱۹۸۵). **نازک الملائکه، دراسات فی الشعر و الشاعر.** الكويت: شركه الربيعان للنشر و التوزيع.

۳۵. میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷). **صدسال داستان نویسی ایران.** تهران: چشمه.

۳٦. نجفی عرب، ملاحت. (۱۳۹٤). **زبان و جنسیت در رمان.** تهران: علم و دانش.

۳۷. یاکوبسن، رومن. (۱۳۸۰). **زبان شناسی و شعر شناسی.** ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.

www.SID.ir

Archive of SID

٣٨. ارباب، سپیده. (١٣٩١). «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه». نشریه پژوهش‌های زبان شناسی تطبیقی. سال دوم. شماره ٤. صص ١٢٤-١٠٧.

٣٩. جان‌نژاد، محسن. (١٣٨٠). زبان و جنسیت، تفاوت میان گویشوران زن و مرد ایرانی در تعامل مکالمه‌ای. رساله دکتری. دانشگاه تهران.

٤٠. حوّير الشمس، خالد.(٢٠١٥). «البُعد التّداولي في شعر الشاعرة سعيدة بنت خاطر الفارسي». مجلة كلية التربية. العدد الثلاثون.جامعة واسط. صص ٢٢٠-٢٥٣.

٤١. خلیلی، احمد و ستاری.رضا.مهدی نیا،سیدمحسن (١٣٩١). «نقد شعر طاهره صفّارزاده». مجله تاریخ ادبیات. شماره ٣.صص١٠٩-١٣٠.

٤٢. شعبان، یوسف. (٢٠١٧). «تبحث عن الحبِّ وسط الأنقاض(في ديوانها الجديد وحدك... تبقي صلاة يقيني)». مجلة الخليل للدراسات الأدبية و اللغوية. جامعة نزوى. السنة الثانية.صص ٥١-٧٢.

٤٣. فیاض، ابراهیم و زهره رهبری. (١٣٨٥). «صدای زنانه در ادبیات معاصر ایران». پژوهش‌های زنان. شماره ٤. دوره٤. صص٥٠-٢٣.

٤٤. مدرسی، فاطمه و زهرا خجسته مقال. (١٣٩٢). «جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده». نشریهٔ ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره ٩. ص٣٦٣.

www.SID.ir